



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۲/۲۴

محمد ولی آریا

حکومت موازی بر کدام مبنی

بالاخره نتیجه ریسمان کشی کسب و یا حفظ قدرت سیاسی در افغانستان، به نفع آقای احمد زی اعلان گردید، ولی متأسفانه پایان نیافت، زیرا مسائل سیاسی که در کشور ما اکثراً در تحت شعار های وطن دوستی و مردم خواهی و وحدت ملی عنوان می شود؛ مگر از عقب آن همیشه دو گوش تعصبات کاذب قومی و زبانی و مذهبی خود نمائی می کند. تعصبات کاذب به این معنی که ایکاش این گرایشات ناهنجار اجتماعی، منافع یک قوم و زبان و یا مذهب خاص را پاس میداد که در آن صورت، می شد ادعا کرد، حد اقل حافظ منافع یک کتله ملی است؛ مگر متأسفانه دیده می شود که ادعا های قوم و قبیله و زبان و امثال آن، چیزی جز نقابی بر چهره نیات و منافع شخصی عده ای کاسبکار سیاسی در کسب و حفظ قدرت نیست که هیچ قوم و قبیله و زبانی از آن ذره ای منفعت نبرده است. از همه نفرت انگیزتر آنکه وقتی به اعماق نگرینسته شود، آشکارا دیده می شود که این تمایلات با منافع و اهداف بیگانگان مغرض کاملاً همسوئی و همصدائی دارد که بحران سیاسی ملت افغانستان را در این عرصه، به یک مثلث ناگوار مبدل کرده است.

آنچه در مقطع حساس کنونی کشور حائز اهمیت است که عناصر آگاه و ملت پرور و وطن دوست در موضع گیری شان از حزم و تأمل کار بگیرند تا مبادا ندانسته آب به آسیاب این مثلث مذموم قدرت طلبی بی بنیاد، تعصبات پرداخته کاسبکاران سیاسی و یا اهداف اغیارمغرض بریزند. زیرا نتایج انتخابات اعلان گردید، و آقای اشرف غنی با یک اکثریت نه بسیار قابل ملاحظه، برنده گشت، که برطبق اصول حقوق اساسی هرگاه از جمله پانزده میلیون افراد حایز حق رأی یک کشور، صرف یک میلیون و هفتصد هزار نفر رأی بدهند و از آن جمله تیم برنده انتخابات، صرفاً نهد صد هزار رأی از آن خود کند، مسلماً یک بُرد چشم گیر نیست. که چنین نتیجه ملایم، حکومت های انتخابی را همیشه در یک وضعیت نا متعادل نگه می دارد که زمینه مساعدی برای مخالفین و رقبای آن خواهد بود تا بتوانند همیشه اتکای ملی و سراسری رژیم را زیر سوال ببرند و از آب گل آلود، ماهی نقاق و افتراق ملی بگیرند.

آنچه در این میان قابل اندیشه است، این نیست که کاندیدان بازنده، ناخوش و ناراض می شوند؛ بلکه آنچه باعث تشویش است، اینست که توده هائی که رأی شان در روند ساختمان حکومت دخیل نبوده و اکثریت ملت افغانستان را تشکیل میدهند، نباید با بی احتیاطی سیاسی به یک سمت و یا سمت دیگر رانده شوند و نباید این زمینه عملی و یا ذهنی مساعد گردد که آنها در جناح مقابل حکومت انتخابی موضع بگیرند. زیرا موضع گیری اکثریت و اقلیت در کشور هائی که مناسبات اقتصادی و اجتماعی آنها از مرحله ملوک الطوائفی گذشته است و در آنجا منبهاات قومی و زبانی و مذهبی در شکل دهی پروسه سیاسی رنگ باخته است و اکثریت و اقلیت نه بر معیار های عنندی ای چون قوم و زبان و مذهب و جنس، بلکه بر معیار های آفاقی چون منافع و حقوق، تثبیت و شناسائی می شوند، قابل تشویش نیست؛ اما در کشوری مانند ملت افغانستان که هنوز بر مبنای علایق عنندی کهن اجتماعی زندگی می کند و ملوک الطوائفی آن به یک معجون خطرناک، «قوماندان الطوائفی» مبدل گشته است و عوامل مغرض و منفعت جوی داخلی و خارجی نیز بر این آتش نفاق ملی هیزم می پاشند، باید بسیار محتاط و هوشیار بود که تیغ کُند افتراق افغانان دسته پیدا نکند. به عبارت دیگر نباید برای آنها این مجال فراهم شود که باخت اصولی و منطقی خود را در یک انتخابات نسبی، با منافع کتله های قومی و زبانی، رنگ و روغن کنند و خصومت ها خشونت ها را منبای ملی و سراسری بدهند.

هدف اساسی در تحریر این سطور آن است تا در برخورد با مسایل ملی حد اکثر کوشید تا به این بُرد و باخت ها، رنگ و بوی قومی و زبانی و مذهبی داده نشود، چه اگر چنین اشتباهی دانسته و یا ندانسته متباز می گردد، آنجا است که ما به جای مقابله با یک طرح بی بنیاد و فاقد معنی و مفهوم یعنی «حکومت موازی»، با این یک هیولای تپاه کن سیاسی مواجه خواهیم شد.

اکنون باید دید که طرح «حکومت موازی» حائز چه معنی و مفهوم است آیا اصولیتی را حمل می کند یانه و یا از مشروعیت حقوقی و سیاسی ای برخوردار است یانه.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

حکومت، ساختاری است در تنظیم و اداره مقدرات سیاسی و اجتماعی یک کتله انسانی در قلمرو ارضی معین. هرگاه از یک حکومت موازی در کنار حکومت پذیرفته در یک کشور حرف زده می شود، در حقیقت این حکومت موازی فاقد چندین عنصر اساسی در ساختار یک حکومت است.

یک - عنوان «حکومت موازی» خود بازگوینده یک پیکره انفعالی است زیرا این حکومت هیچ ارجحیت سیاسی ای را نسبت به حکومت مسلط به نمایش نمی گذارد تا منحصراً یک حکومت کامل، شناخته شود؛ زیرا خود را موازی با حکومت منتخب می داند نه بیشتر. لذا هیچ دلیلی وجود ندارد که این ساختار بی دلیل، یک حکومت جانشین شونده پذیرفته شود. چه طرح یک حکومت موازی صریحاً باز گوینده آنست که این بنیه، صلاحیت اداره ملی را به تنهایی ندارد و اراده ملی را نمی تواند به صورت مستقل تمثیل کند.

دو - حکومت موازی، که از نام آن پیدا است، هیچ سندی را در داشتن یک امتیاز سیاسی در برخورداری از اکثریت آرای ملی در دست ندارد تا خود را مستحقتر از حاکمیت مسلط بر کشور معرفی کند و همان است که صرف به هویت موازی و مساوی اکتفا کرده است که خود بیانگر ضعف هویت و عامل انحلال عینی و ذهنی آن در عرصه ملی می باشد.

سه - حکومت موازی، از لحاظ حاکمیت ملی، فاقد اعتبار است، زیرا هیچ حاکمیتی بر تمامیت ارضی کشور ندارد و هرگاه ادعا می کند بر مناطقی دست دارد و حاکم آن محلات است، پس باید ادعای حکومت مستقل بر آن مناطق را می نمود، نه ادعای حکومت موازی در سرزمین مشترک را، زیرا در یک محدوده ارضی ملی مشخص، وجود دو حکومت، بی معنی و بی مفهوم است.

چهار - هرگاه یک کتله افراد بدون کسب آرای ملی، مناطقی را با جبر و ستم و ترور و ارباب چون داعش و طالب اشغال می کنند و باشندگان محل را به گروگان می گیرند و اعلان حکومت می کنند، چنین حکومتی فاقد هرگونه مشروعیت ملی، سیاسی و حقوقی است که مقاومت و جهد همه جانبه در برابر آن، وجبیه هر انسان مؤمن، میهن دوست و آزادی خواه می باشد.

پنج - اعلان یک حکومت موازی در موجودیت یک حکومت تازه انتخاب شده، در عرصه جهانی، مضحکه خنده آوری بیش نیست، که حتی همدمان و محرکان و تطمیع و تمویل و تسلیح کنندگان بیرونی آن نیز جرأت نخواهند کرد حیثیت و آبروی ظاهری خود را در حمایت از چنین پیکره مسخره سیاسی به خطر اندازند. صرف نظر از آنکه منافع و روابط اقتصادی آنها در سطح منطقه و جهان به بحران و کساد و تحدید مواجه خواهد گشت.

شش - یک حکومت موازی در موجودیت یک حکومت قانونی اکثریت پذیرفته، خلاف مصالح ملی، امنیت ملی، وحدت ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یک ملت است، بنابراین کاملاً نکوئیده و مردود می باشد و تردید آن یک وظیفه ملی و انسانی خواهد بود.

هفت - ساختار یک حکومت موازی، با حضور یک حکومت بالنسبه مشروع در کشور و در موجودیت یک قانون اساسی پذیرفته شده، یک اقدام خلاف قانون اساسی و یک نیت مخرب ملی خواهد بود که با مرتکبین آن باید معامله قانونی صورت بگیرد و در یک محکمه با صلاحیت ملی به این خلاف ورزی، رسیدگی قانونی جدی و نتیجه مند به عمل آید.

پایان